

شیوه‌های تدفین پیش از تاریخ در استقرار قلعه‌خان (خراسان شمالی) با تاکید بر عصر مفرغ

خیرالنساء جودی*، دکتر عمران کارائیان** و مهدی رضایی***

* دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

** استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه نیشابور.

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

چکیده

شیوه‌های تدفین و موقعیت مکانی آن نسبت به استقرار از شاخص‌های عصر مفرغ است. تدفین و سنت‌های آن در عین حال یکی از مدخل‌های مسائل انتزاعی در باستان‌شناسی است. استقرار قلعه‌خان استقراری متمرکز در استان خراسان شمالی و در محدوده شهر آشنخانه است. در استقرار قلعه‌خان دو فصل پژوهش انجام شد. فصل نخست گمانه‌زنی به منظور لایه‌نگاری بوده و طی آن کاوش عمودی عملی شد. فصل دوم تعیین عرصه و پیشنهاد حریم بوده و گمانه‌زنی در حاشیه‌های استقرار انجام شد. از اهداف اداری-پژوهشی فصل دوم در درجه نخست تعیین عرصه محوطه و پیشنهاد حریم آن به منظور حفاظت‌های فیزیکی از اثر بود. در این فصل تعداد ۲۷ گمانه در همه جهات محوطه ایجاد شد؛ تهیه نقشه محدوده گسترش آثار، شناسایی آثار مربوط به عصر آهن در بافتار اصلی که قبلاً در لایه نگاری بدست نیامده بود، شناسایی گورستان عصر مفرغ و در نتیجه کسب اطلاعات کلی از سنت‌های تدفین در این دوره، از دستاوردهای مهم این پژوهش بود. بطور کلی در کناره استقرار و در غرب آن در دو گمانه آثار تدفین‌های عصر مفرغ شناسایی شد. در گمانه‌های ۲۲ و ۲۴ آثار سه تدفین بدست آمد. همراه این تدفین‌ها هدایای گور نیز دفن شده بود. این مقاله توصیفی از آثار مربوط به گورستان عصر مفرغ در استقرار قلعه‌خان و تجزیه و تحلیل موقعیت مکانی آن نسبت به استقرار است.

واژگان کلیدی: خراسان، تپه قلعه‌خان، عصر مفرغ، گورستان، سنت‌های تدفین.

درآمد

تمرکز بر انجام پژوهش باشد. گاه نیز طرح در راستای حفاظت از اثر تامین اعتبار می‌شود و برای مثال انجام گمانه‌زنی برای تعیین عرصه پیشنهاد حریم یا ثبت اثر انجام می‌شود و در کنار آن پژوهشگر از اطلاعات در راستای تقویت پژوهش نیز بهره

پژوهش‌های باستان‌شناسی به شکل‌های مختلف ممکن است انجام شوند. گاه ممکن است پژوهش صرفاً برای پاسخگویی به پرسش‌های باستان‌شناختی طراحی شود و بطور همه جانبه‌ای

از آب آن تنها برای آبیاری مزارع استفاده میشود. از فاصله صد متری شمالغرب تپه یک نهر آب که مسیر آن جنوبشرقی - شمالغربی است میگذرد. آب چشمه شمالی تپه نیز به این نهر سرازیر میشود. جاده گرگان-بجنورد از پنج کیلومتری جنوب روستای قلعه‌خان میگذرد (گاراژیان، ۱۳۸۷: ۲۱۰). جمعیت روستا دو هزار نفر بوده و زراعت، دامداری و کارگری مشاغل عمده روستا محسوب میشوند (فرهنگ آبادیهای خراسان، ج مانه و سملقان ۱۳۸۴: ۵۲). تپه باستانی قلعه‌خان با ارتفاع متوسط ۱۵ متر از زمین‌های اطراف در مرکز بافت قدیمی روستا واقع شده و آنچه از تپه باقی مانده مساحتی حدود شش هکتار است. امروزه استقرار قلعه‌خان شکلی شبیه استوانه دارد. دیوارهای تپه از تمام اطراف به صورت برش، قابل مشاهده است. سطوح بالایی این برش که با سازه‌های خشتی در بر گرفته شده بقایای دوران اسلامی تا زمان معاصر است. سازه‌های خشتی مربوط به دوران تاریخی است (گاراژیان، جعفری و هژبری زیر چاپ) و سطوح پایینی نهشته‌های فرهنگی دوره‌های پیش از تاریخ است.

پیشینه پژوهش

تپه قلعه‌خان (تصویر ۱) در دهه ۵۰ هجری شمسی بوسیله خان محلی تخریب و شیب اطراف آن برای تقویت زمین‌های کشاورزی حمل شده بود. پس از این رویداد، بوسیله فائق توحیدی کارشناس وقت مرکز باستان شناسی، شناسائی و با ۱۴ میله فلزی تعیین حریم شد (توحیدی، ۲۵۳۵، ج ۲: ۲۹-۳۰). پس از آن، محوطه به بوته فراموشی سپرده شد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ طی بررسی عمومی استان خراسان بوسیله عمران گاراژیان، لیلا پاپلی یزدی و جواد جعفری بازدید شد. نمایان بودن نهشته‌ها در برش‌های اطراف استقرار، وجود سازه بزرگ دوره تاریخی که در برش‌ها مشاهده می‌شد؛ همچنین شناسایی حدود دو/ سوم ظرفی سفالی که مربوط به دوره نوسنگی بود موجب شد تا گمانه زنی به منظور لایه نگاری در استقرار از سوی ایشان پیشنهاد و پیگیری شود (گاراژیان، ۱۳۸۷: ۱۲).

فصل نخست از پژوهش‌های میدانی تپه قلعه‌خان در بهار ۱۳۸۵ با استراتژی در زمانی (Hurst Thomas, 1991: 54) با هدف لایه‌نگاری تپه قلعه‌خان و خوانا سازی بقایای معماری

می‌برد. آنچه در این مقاله ارائه شده از نوع دوم است. در این شرایط نمی‌توان انتظار گردآوری اطلاعات مستقل داشت اما می‌توان اطلاعات گردآوری شده را در راستای انتشار داده‌ها سازمان داد. امید است که زمینه پژوهش‌های هدفمند، روش‌مند و بنیادی فراهم گردد.

پروژه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه قلعه‌خان از مرداد تا مهر ۱۳۸۸ با مجوز پژوهشکده باستان شناسی و با اعتبارات استان خراسان شمالی به سرپرستی عمران گاراژیان به انجام رسید. طی این فصل تعداد ۲۷ گمانه در پیرامون تپه ایجاد شد که از نتایج آن علاوه بر تعریف محدوده آثار و حرایم استقرار، شناسائی گورستان عصر مفرغ را میتوان بر شمرد (گاراژیان، ۱۳۸۸: ۵). از این‌روی که یکی از منابع اصلی در مطالعه پیش از تاریخ، بررسی قبور و داده‌های حاصل از تدفین به منظور شناخت فرهنگ و بازسازی ساختار جوامع پیش از تاریخ است در این نوشتار سعی بر آنست که شواهد جدید بدست آمده - تدفین‌های مربوط به عصر مفرغ قلعه‌خان - بررسی و ارزیابی شوند.

استقرار قلعه خان

استقرار قلعه‌خان در شرق شمالی ایران (نقشه ۱) در دشت سملقان و در مرکز روستائی به همین نام واقع است. حدود بیست و سه کیلومتر با شهر آشنخانه (مرکز شهرستان مانه و سملقان) و حدود ۶۳ کیلومتر با شهر بجنورد مرکز استان خراسان شمالی فاصله دارد. ناحیه ای که استقرار در آن شکل گرفته دشت میانکوهی کم وسعتی است که با کوه‌های سرسبز (وابسته به آلاداغ) از جنوب و رشته کوه‌های بدون پوشش گیاهی (وابسته به کپه داغ) از شمال محصور است.

منازل مسکونی ساکنان روستا پیرامون تپه قرار گرفته اند (نقشه ۲). در قسمت شمالی و شرق تپه و در فاصله تقریباً پنجاه تا یکصد متری آن چشمه‌های آب شیرینی وجود دارد که امروزه

۱- در اینجا شرق شمالی ایران به سرزمین‌های مابین پایانه شرقی رشته کوه البرز و پایانه غربی رشته کوه هندوکش گفته میشود (نک گاراژیان ب، ۱۳۸۸: برج در بافتار، مجله الکترونیکی انسان شناسی و فرهنگ).

۲- نام جدید روستا، رسالت است.

پهلوی است (۶۰۰۰ پ.م. تا حدود ۶۰ سال پیش). نهشته‌ها و بقایای مربوط به دوره‌های یاد شده یعنی در طول ۸۰۰۰ سال ممکن است در یک دشت شناسایی شود اما درمورد استقرار قلعه‌خان آنچه اهمیت دارد این است که آثار بطور متمرکز در یک مکان و در مساحتی حدود شش هکتار وجود دارد^۳. در توالی لایه‌نگاری قلعه‌خان بر مبنای گاهنگاری نسبی و مطلق لایه‌های چهل و یک تا پنجاه مربوط به عصر مفرغ است (نک جدول یک). در این لایه‌ها که برآیند فصل نخست - لایه نگاری - بود هیچ داده‌ای مربوط به تدفین بدست نیامد اما در فصل دوم - تعیین عرصه و پیشنهاد حریم - در گمانه‌هایی که در پیرامون استقرار ایجاد شد به این نوع داده فرهنگی برخورد شد. آنچه در ادامه می‌آید توصیف و تحلیل همین داده‌هاست.

توصیف داده‌های تدفین عصر مفرغ در استقرار قلعه‌خان
داده‌های تدفین مربوط به عصر مفرغ از دو گمانه SW22 و NW24 که هر دو در کناره غربی بخش مرتفع استقرار واقع شده‌اند؛ بدست آمده است. چنانکه حروف مندرج در نام گمانه‌ها نیز نشان می‌دهد یکی در یک/چهارم جنوب غرب و دیگری در یک/چهارم شمال غرب نسبت به بخش مرتفع استقرار قرار دارند. بجز آن داده‌ها که از طریق کاوش و با روش‌های میدانی باستان شناسی طی فصل دوم پژوهش بدست آمد؛ اطلاعات پراکنده‌ای نیز از منابع شفاهی وجود دارد. این اطلاعات به تنهایی غیر قابل اتکا است اما در کنار داده‌های موجود ارزیابی می‌شود. این ارزیابی برای تعمیم دهی و پیشنهاد موقعیت و گستره گورستان عصر مفرغ کاربردی است.

گمانه SW22

گمانه SW22 با ابعاد ۲×۲ متر در جهت‌های اصلی تاسیس شد. فاصله نقطه مبنای گمانه از نقطه مبنای تپه (±00) ۱۲۵/۶۳ متر و اختلاف ارتفاع آن نسبت به نقطه یاد شده ۲/۶۵+ متر است. عمق

۳- برای مثال می‌دانیم صدها استقرار در جنوب ترکمنستان کاوش شده اما کمتر استقراری تا کنون معرفی شده که دارای آثار هر سه دوره نوسنگی، مس-سنگی و مفرغ باشد. این اهمیتی است که بوسیله رویکرد غیر تخصصی در سازمان‌های دولتی مربوطه درک نمی‌شود.

مربوط به سازه بزرگ خشتی که بخش زیادی از حجم تپه را به خود اختصاص داده، آغاز شد. برآیند این فصل تعداد نه گمانه آزمایشی، سه برش آزمایشی و چهار گمانه لایه نگاری بود (نقشه ۲). محل گمانه‌های لایه‌نگاری در شرق و غرب استقرار به گونه‌ای انتخاب شدند که اضافه بر اینکه توالی تمام لایه‌ها را پوشش می‌دهند نتایج آن قابل تعمیم به کل استقرار باشد. ارتفاع نهشته‌های فرهنگی در استقرار قلعه‌خان ۱۷.۶۵ متر بوده و تعداد ۵۷ لایه فرهنگی شناسایی شد (گاراژیان، زیر چاپ). اطلاعات بدست آمده از لایه نگاری گمانه‌های چهارگانه در تپه قلعه‌خان نشان داد که این استقرار دارای لایه‌هایی از دوره نوسنگی با سفال تا دوره قاجار است (نک. جدول ۱).

پروژه پژوهش در قلعه‌خان بیشتر در فصل نخست متمرکز بر فعالیت میدانی و بیشتر آغاز استقرار از روی خاک بکر تا ترک محل را مد نظر قرار داده بود. پژوهش‌های بین رشته‌ای پس از انجام مراحل میدانی ادامه داده شد و آنچه تحت عنوان فترت در جدول ۱ اشاره شده اضافه بر لایه‌نگاری بوسیله آزمایش‌های کربن ۱۴ یعنی گاهنگاری مطلق نیز تایید شده است.

فصل دوم این پژوهش‌ها طی تابستان ۱۳۸۸ در قالب طرح تعیین عرصه و پیشنهاد حریم استقرار قلعه‌خان ادامه یافت. تعیین عرصه بر خلاف لایه‌نگاری، پراکنش مکانی داده‌های مربوط به استقرار باستانی را مد نظر داشت. گمانه‌های فصل اول متمرکز در بخش اصلی استقرار بودند اما گمانه‌های فصل دوم پراکنده در حاشیه استقرار بودند. در نتیجه از نظر روش و استراتژی دو فصل مکمل هم بودند. از نتایج پژوهش فصل دوم شناسایی محدوده‌ای در شرق استقرار مربوط به دوره آهن بود (نک. نقشه ۳) که طی فصل اول آثار آن در بخش اصلی و مرتفع استقرار بدست نیامد. همچنین در غرب استقرار آثار گورستان عصر مفرغ شناسایی شد (نک. نقشه ۳).

دو فصل پژوهش در استقرار قلعه‌خان و بررسی دشت سملقان در سال ۱۳۸۶ (گاراژیان، ۱۳۸۶: ۳) نشان می‌دهد که از نظر تمرکز داده‌ها و نهشته‌های فرهنگی دوره‌های گوناگون در یک مکان، استقرار قلعه‌خان از معدود استقرارهای شمال خاور نزدیک است که دارای آثاری از استقرار در روستاها تا دوره

و در زیر مجموعه، سازه مثلثی شکلی از خشت بدست آمد. تنها ۷۵×۶۵ سانتیمتر از این ساختار در محدوده گمانه بود. احتمال داده می‌شود این ساختار در ارتباط با تدفین باشد. اطلاعات موجود در محدوده گمانه قرار گرفته و گسترش آن در دستور پژوهش قرار نگرفت؛ چراکه هدف از پژوهش تعیین عرصه استقرار بود نه کاوش در گورستان عصر مفرغ.

تدفین ۲: شامل اسکلتی انسانی بود که در بخش شمال شرق گمانه قرار داشت. بر مبنای مطالعات انسان‌شناختی احتمالاً اسکلت متعلق به یک نوجوان ۱۲ تا ۱۳ ساله است (فروزانفر، ۱۳۸۸). نوع تدفین جنبی و جهت کلی اسکلت شرقی-غربی و جهت مجموعه جنوب غربی است. اسکلت بر روی پهلوی چپ قرار داده شده، پاها نسبتاً جمع شده و دستها در جلوی دهان قرار گرفته بودند (تصویر ۳) در زیر پاهای اسکلت سه عدد ظرف سفالی خاکستری در یک راستا با جهت شمالی-جنوبی قرار داشت. این ظروف شامل دو عدد ظرف سفالی با دهانه کوچک احتمالاً برای نگهداری مایعات (تصاویر ۷ و ۹) و ظرفیکه در وسط قرار گرفته بود شامل ظرفی باصطلاح دوقلو (خورجینی شکل؟) است (تصویر ۸). در اطراف این ظرف تعدادی دانه میوه بنه یا همان پسته وحشی؟ قرار داشت. در بخش غربی ظروف یک تیغه شکسته سنگی و یک استخوان ران پرنده شناسائی شد. در اطراف اسکلت زغال و خاکستر بصورت محدود قابل مشاهده بود و در جلوی کشکک زانوی پای اسکلت بقایای گل قرمز رنگی بدست آمد که بنظر می‌رسد اُخری باشد. در هنگام برداشت اسکلت بقایای سفید رنگ بصورت داغ حصیر در زیر اسکلت مشاهده شد (تصویر ۴). مشابه این آثار در اسکلت دیگری مربوط به دوره مس سنگی از همین استقرار گزارش شده است (گاراژیان، ۱۳۸۶: ۱۱۰؛ گاراژیان، ۱۳۸۷: ۳۷۸). نکته قابل ذکر دیگر اینکه استخوانها بویژه در قسمت ستون فقرات و دنده‌ها و لگن کاملاً شکننده و ناپایدار بودند؛ شاید بتوان این موضوع را به فشارهای وارد آمده بر اسکلت در دوره‌های جدیدتر نسبت داد. تدفین (بقایای اسکلت) بر روی خاک نرم قرار داشت (پلان ۱).

در عمق ۱۶۰- سانتیمتر نسبت به نقطه مبنا دیواری خشتی بدست آمد. این دیوار از میانه برش غربی گمانه شروع و با

آغازین گمانه ۴۳- سانتیمتر و عمق پایانی ۲۰۰- سانتیمتر نسبت به نقطه مبنا محاسبه شد.

با توجه به اطلاعاتی که در برش‌های چهارگانه گمانه و همچنین کاوش در سطح افق بدست آمد؛ مجموعاً در این گمانه شش لایه شناسائی شد. لایه‌ها از بالا به پائین شماره گذاری شد (به ادامه بنگرید). هر شش لایه، حاوی داده‌های فرهنگی و عامل شکل دهنده آنها ترکیبی (طبیعی + فرهنگی) است. منظور دقیقاً این است که نهشته‌های فرهنگی در حاشیه استقرار با فرآیندهای طبیعی روی هم انباشت شده‌اند. در لایه‌های یک تا پنج (پنج لایه اول از بالا) تقریباً داده شاخصی اعم از منقول و یا ساختار معماری بدست نیامد. آثار بدست آمده همراه با نخاله‌ها و نهشته‌ها، دو پر شدگی (فیچر)، سه ابزار سنگی، یک سردوک سنگی و یک مهره گلی (?) است. علاوه بر این تعداد قابل توجهی سفال (۲۷۴ قطعه) در بین نخاله‌ها و نهشته‌ها شناسائی شد. این سفال‌ها بعلت ناهمگن بودن به لحاظ گاهنگاری قابل اتکا نبودند و مضطرب و مخلوط بودن بقایای لایه‌ها را نشان می‌دادند. بیشتر اطلاعات این گمانه از لایه VI بدست آمد. در این لایه پنج ساختار معماری و یک تدفین همراه با شیء (گور شیء دار^۴ دارک، ۱۳۸۷، ۲۴۴)، یک مجموعه در برش و تعداد ۲۹ قطعه سفال شاخص شناسائی شد؛ از بین همه قطعات تنها دو عدد سفال با خمیره و پوشش قرمز و نخودی بوده و بقیه قطعات سفال چرخساز، دارای پوشش و خمیره خاکستری هستند. در مجموع شش لایه، پنج عدد جوش کوره بدست آمد که سه عدد از آنها مربوط به لایه VI و نیز سه قطعه سفال که حرارت زیاد دیده بودند نیز در بین بقایا بدست آمد که در نوع خود قابل تأمل است (گاراژیان الف، ۱۳۸۸: ۲۳۸-۲۵۵). داده‌ها و شواهد مربوط به تدفین به شرح زیر است:

تدفین ۱: در بخش جنوبی برش غربی لایه VI و در عمق ۱۷۸- سانتیمتر تدفین انسانی بدست آمد که تنها بخش بالائی مجموعه آن در برش شناسائی شد. جهت قرارگیری مجموعه به سمت جنوب غرب بوده و با توجه به ابعاد کوچک آن احتمالاً متعلق به کودکی است (تصویر ۲). در عمق ۱۸۳- سانتیمتر در همین بخش

اسکلت بصورت کامل امکان پذیر گردد. براساس مطالعات انسان شناختی انجام شده (فروزانفر، ۱۳۸۸) این اسکلت مؤنث و در هنگام مرگ ۳۵ تا ۴۰ ساله بوده است. جهت کلی آن شرقی-غربی و صورت رو به شمال بود. نوع خاصی از تدفین را - اعم از جنینی (چمباتمه‌ای) یا طاق باز - نمی‌توان برای این تدفین ذکر کرد. شیوه تدفین در این مورد ترکیب طاق باز و چمباتمه‌ای بود؛ به این صورت که بالاتنه اسکلت بصورت طاق باز (خواجیده به پشت) بود و دست راست بر روی سینه قرار داشت و وضعیت دست چپ آن که دقیقاً مشخص نیست؛ بنظر می‌رسد در کنار شانه قرار داشته است (تصویر ۵). انگشتان اسکلت به صورت پراکنده در سطح گمانه شناسایی شد. پاها جمع شده در داخل شکم است. مجموعه اسکلت نیز آسیب دیدگی داشت. فک بالا سر جای خود و فک پایین اسکلت جابجا شده بود^۵ (تصویر ۶). در مورد ساختار گور نمی‌توان اظهار نظر مطمئنی داشت چرا که ساخت و سازهایی در دوره‌های بعد ساختار احتمالی گور را تخریب نموده است. تنها نکته قابل ذکر در این رابطه، اینکه اسکلت بر روی تخته سنگ بزرگی دفن شده بود. سنگ در عمق ۱۳۴- سانتیمتر قرار داشت. بر روی مجموعه آثاری از سیاه شدگی مشاهده شد که به احتمال زیاد به سبب همجواری با کوره‌ای بوده که نزدیک آن واقع شده بود (پلان ۲).

چهار ظرف بعنوان هدیه در بخش شمال تدفین و در روبروی صورت اسکلت نهاده شده بود (نک تصاویر ۱۰ و ۱۱). ظروف، سفالی و به رنگ خاکستری بودند. دو عدد از این اشیاء شکسته و دو عدد بصورت سالم بدست آمد. شیء دیگری که باید آن را در رسته ظروف آرایشی طبقه بندی کرد شامل سفالینه کوچکی با پوشش خاکستری- سیاه بود. این ظرف محتوی ماده سیاه رنگی بود. در کنار آن میله فلزی اکسیده شده به ارتفاع ۱۴ سانتیمتر که یک سر آن بصورت دم ماهی (به طول ۳.۵ سانتیمتر) تزئین شده بود؛ قرار داشت (تصویر ۱۰). احتمالاً این میله جهت

حالت اُریب تا بخش جنوب شرق گمانه با فاصله ۲۶ سانتیمتر از برش شرقی ادامه می‌یابد. سه ردیف از خشته‌های این دیوار تا حدودی قابل شناسایی بود. از بالاترین ردیف یک عدد خشت واز پائین ترین ردیف (ردیف سوم) نیز تنها بر یک خشت بدست آمد. طول این ساختار که متشکل از ۴ عدد خشت (ردیف دو) بود حدود ۱۵۶ سانتیمتر و عرض یکی از خشته‌ها که قابل اندازه گیری بود ۲۵ سانتیمتر است. در گوشه شمال شرقی آثار دیوارکی (ساختار ۲) به ضخامت حدود ۱۰ سانتیمتر شناسایی شد که بوسیله نوار باریک ۲ سانتی متری و به رنگ خاکستری از بخشهای شمالی تر خود جدا می‌شد. طول این دیوار حدود ۱۱۰ سانتیمتر بود که بصورت اریب از گوشه شمال شرقی گمانه آغاز و به نیمه برش شمالی متصل می‌شد. بر روی این ساختار یک قطعه سفال (بخشی از یک خمره خاکستری) و یک عدد سنگ که در حد بین ساختار ۲ و بخش بیرونی آن قرار گرفته بود؛ شناسایی شد. بنظر می‌رسد این دو ساختار با تدفین ۲ در ارتباط بوده و بخشی از ساختار گور را تشکیل می‌داده اند (پلان ۱).

گمانه NW24

گمانه NW24 با ابعاد ۲×۲ متر، در امتداد جهات اصلی است. فاصله نقطه مبنای این گمانه از نقطه مبنای تپه (±00) ۱۴۳/۳۲ متر و اختلاف ارتفاع آن نسبت به نقطه یاد شده ۴/۶۰- متر است. عمق ابتدای برداشت ۱۱- سانتیمتر و عمق انتهایی آن ۱۶۰- سانتیمتر نسبت به نقطه مبنا محاسبه شد. در این گمانه بر مبنای مواد فرهنگی و نوع نهشته سه لایه فرهنگی شناسایی شد. لایه‌های یک و دو، آثاری در بافتار اصلی را نشان نداد اما در لایه سوم علاوه بر ساختارهای معماری عصر مفرغ که بصورت دیوارهای ساخته شده از سنگ و خشت بودند؛ یک مورد تدفین شناسایی شد (پلان ۲).

تدفین ۳: در نیمه غربی گمانه و در میان نهشته‌ها و ساختارهای لایه III از عمق ۱۲۴- سانتیمتر بقایای یک تدفین انسانی بدست آمد (ساختار ۷). استخوان کشکک پا بالاترین سطح تدفین بود. در بررسی محدوده اسکلت مشخص شد که بخشی از قسمتهای سر و جمجمه در زیر برش غربی گمانه قرار دارد از این جهت، مستطیلی به ابعاد (۱۰۰×۵۰ سانتیمتر) به گمانه الحاق شد تا مطالعه

۵- یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که قرار دادن سر بطوریکه دهان باز یا کاملاً باز باشد از ویژگی های گورهای عصر آهن است (دانی، ۱۳۷۵، ۲۴۴). البته در مورد این تدفین بیان اینکه دهان اسکلت بصورت عمودی باز گذاشته شده جای تامل زیاد دارد از این جهت که ساخت و سازهای دوره‌های جدید ممکن است باعث جابجایی فک اسکلت شده باشد.

تواند باشد چراکه عمومیت آلیاژ مفرغ حداقل مربوط به اواسط عصر مفرغ است. در روی همین تدفین سفال خاکستری کمرنگی شناسایی شده که عموماً سنت سفالگری اواسط عصر مفرغ را نشان می‌دهد. یادآور می‌شود دو طیف ساختارهای عصر مفرغ به ترتیب زیر تدفین ۳ و روی آن (کوره) شناسایی شده است. براساس تجزیه تحلیل این ساختارها گاهنگاری پیشنهادی می‌تواند برای این تدفین اواسط عصر مفرغ باشد. این پیشنهاد با وجود سفال خاکستری سیاه متناقض است. البته یادآور می‌شود سفال‌های خاکستری سیاه از گمانه‌های لایه نگاری استقرار قلعه‌خان بدست نیامده است. در نتیجه دو فرضیه را می‌توان طرح کرد: اول نظریه کایلر یانگ که سفال‌های نهاده شده در گورهای عصر مفرغ و آهن ضرورتاً سفال‌های رایج در همان زمان در لایه استقرار نیست. وی براین باور بود که هدایای گور سفال‌هایی قدیم‌تر از زمان تدفین را نشان می‌دهند. این پیشنهاد را بطور کلی براساس نمونه‌های قوم شناسی و تداوم بیشتر و تطور کمتر سنت‌های تدفین در مقایسه با دیگر سنت‌ها در بافتار زنده پیشنهاد می‌کند. دوم آنکه، گسترش مساحت استقرارهای عصر مفرغ مربوط به اواسط این دوره در آسیای مرکزی، شمال شرق و شرق شمالی ایران است (گارازیان، ۱۳۸۷: ۳۸۱). از آنجا که موقعیت گمانه ۲۴ از هسته مرکزی استقرار فاصله دارد؛ وجود ساختارهای معماری در لایه سه را می‌توان به اواسط عصر مفرغ نسبت داد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود تدفین ۳ مربوط به اواسط رو به اواخر بازه زمانی استقرار عصر مفرغ در استقرار قلعه خان است که در آن از سفال‌های مربوط به دوره‌های قدیم‌تر به عنوان هدایای گور در کنار سفال‌های اواسط عصر مفرغ استفاده شده است.

تدفین ۲ از نظر موقعیت هدایا نسبت به اسکلت، با تدفین ۳ تفاوت دارد. در این تدفین ظروف سفالی تنها در محدوده پاها نهاده شده‌اند در حالیکه در تدفین ۳ هدایا در محدوده کمر و جلو صورت نهاده شده بود. به نظر می‌رسد از این داده‌ها نمی‌توان نتیجه [تفاوت] گاهنگاری گرفت اما تفاوت موقعیت اقتصادی- اجتماعی و عاملیت متوفی را می‌توان پیشنهاد کرد. داده‌هایی که تفاوت گاهنگاری را نشان می‌دهد سفال‌های نهاده شده به عنوان هدایای گور است. آنچه در تدفین ۲ نهاده شده از

برداشتن ماده از داخل ظرف بوده است. به فاصله کمی از صورت اسکلت ظرف سفالینی به رنگ خاکستری روشن به شکل سبویی با گردن کوتاه و دهانه کوچک قرار داشت (تصویر ۱۱). در میان استخوان‌های ستون فقرات و استخوان‌های دنده، ظرف سفالی دیگری به فرم لیوان شناسایی شد.

گاهنگاری عصر مفرغ در استقرار قلعه خان

سفال‌های خاکستری که چند نمونه کامل آنها از تدفین‌ها بدست آمده در استقرار قلعه خان و شرق شمالی ایران، شمال شرق، شمال و شمال مرکزی ایران مربوط به عصر مفرغ است. براساس لایه‌نگاری انجام شده در فصل اول پژوهش‌های استقرار قلعه‌خان، گاهنگاری لایه‌های عصر مفرغ در بخش مرتفع استقرار ۲۹۰۰ تا ۲۲۰۰ پ.م. است. این گاهنگاری از آن نظر که در دو گمانه لایه نگاری (گمانه‌های دو و چهار) کنترل شده، از نظر توالی نهشته‌ها و گاهنگاری نسبی قابل اتکا است. همچنین ۹ نمونه گاهنگاری مطلق از لایه‌های عصر مفرغ در گمانه‌های یاد شده این گاهنگاری را تأیید می‌کند (گارازیان ۱۳۸۷، ۳۶۵). گاهنگاری یاد شده بطور کلی و عمومی گاهنگاری عصر مفرغ در استقرار قلعه‌خان است و در نتیجه برای گورستان‌های دوره یاد شده نیز همین گاهنگاری پیشنهاد می‌شود.

مقایسه سفال‌ها و سنت‌های تدفین در دو گور بدست آمده از عصر مفرغ در استقرار قلعه‌خان نشان می‌دهد که نمی‌توان آن دو را به زمانی واحد پیشنهاد کرد. لازم به یادآوری است که براساس یک نمونه نمی‌توان سنت‌های تدفین را بازسازی نمود اما براساس مقایسه نمونه‌ها که از استقرار واحدی بدست آمده اند می‌توان تعلق آنها به دو افق زمانی را نتیجه گرفت. دو افق زمانی که در بازه زمانی عصر مفرغ در استقرار قلعه خان قرار می‌گیرند.

در تدفین ۳، سفال خاکستری سیاه عصر مفرغ جزء هدایای گور است و براساس آن می‌توان گاهنگاری اوایل عصر مفرغ را پیشنهاد نمود. اما وجود شیئی مفرغی دقیقاً در کنار همین ظرف نشان می‌دهد که اوایل عصر مفرغ تاریخگذاری قابل قبولی نمی‌

۶- منظور از سنت تداوم یک تکنولوژی و سیستم فرهنگی در محورهای مکانی و زمانی است (Willy & Philips, 1958:34).

و فعالیت‌های تولیدی قرار داشتند؛ معمول شد (طلائی، ۱۳۸۵: ۳۹؛ طلائی، ۱۳۸۱: ۱۷۴). دوفصل پژوهش باستان شناختی استقرار قلعه خان نشان داد که در اواخر دوره مس‌سنگی عمده تدفین‌های شناسایی شده در زیر خانه‌های مسکونی و در بخش مرکزی استقرار واقع شده بود (گاراژیان، ۱۳۸۷: ۴۲۸). حتی امامزاده‌های واقع در اطراف استقرار قلعه خان با احترام و رعایت باورهای پاک بومیان احتمالاً مربوط به دوره های مس‌سنگی و مفرغ است. این موضوع خاصه هنگامی مورد تایید قرار می‌گیرد که تدفین‌های دوره مس‌سنگی در استقرار قلعه خان بدون هدایای گور بوده که البته موضوع بحث این مقاله نیست و در مقاله جداگانه‌ای بحث خواهد شد. پس از دوره مس‌سنگی یعنی در دوره مفرغ، گورستان از استقرار جدا شده و گورهای عصر مفرغ چنانکه بحث شد در حاشیه غربی استقرار و با فاصله در کنار آن گزارش شده است (نک به نقشه ۳). اضافه بر اطلاعات دو گمانه توصیف شده، اطلاعات شفاهی ارائه شده بوسیله ساکنان روستا حاکی از این است که در فعالیت‌های توسعه‌ای روستا در محدوده غرب استقرار به بقایای استخوان همراه با سفال‌های خاکستری برخورد شده است. همچنین دو گروه اطلاعات نشان می‌دهد که تراکم گورها در گورستان در جنوب غرب بخش مرکزی استقرار بالا بوده است: اول آنکه در گمانه ۲۲ که تنها ۲×۲ متر مساحت دارد نشانه‌های دو اسکلت شناسایی شد (تدفین‌های ۲ و ۱). با فرض تعلق آنچه امامزاده جدید خوانده می‌شود و بسیار نزدیک به این گمانه است به دوره مفرغ و در نظر داشتن اینکه در این امامزاده دفن پنج اسکلت بوسیله بومیان روایت شده می‌توان تراکم گورستان در این محدوده را پیشنهاد کرد.

استقرار قلعه‌خان دارای ۶ هکتار مساحت و ۱۷.۶۵ متر نهشته فرهنگی است. شواهد ما مبنی بر وجود گورستان در دوره مفرغ استقرار قلعه‌خان بر مبنای داده‌های تدفینی و اشیاء بدست آمده از داخل گورهائی است که در گمانه های ۲۲ و ۲۴ قرار داشتند. با توجه به وجود جوش کوره در سطوح پائینی گمانه SW22 و احتمال وجود قبرستان دوره مفرغ (وجود اسکلت‌هایی؟) به فاصله حدود ۴۰ متری از شمال گمانه که احتمالاً پیش از تاریخی هستند (نک تصویر ۱) و در نزد اهالی معصوم‌زاده خوانده

ظرف سفالی دوقلو تا فرم سفال‌ها، سنت‌های سفالگری اواسط تا اواخر بازه گاهنگاری عصر مفرغ در استقرار قلعه‌خان را نشان می‌دهد. در نتیجه از نظر گاهنگاری تدفین ۲ جدیدتر از تدفین ۳ به نظر می‌رسد. موقعیت گور که نزدیکتر به هسته مرکزی استقرار است نیز می‌تواند مبنایی برای این نتیجه‌گیری قرار گیرد. با این استدلال که هر چه استقرار در اواخر دوره مفرغ کم وسعت می‌شده گورستان به هسته مرکزی استقرار نزدیک می‌شده است.

بحث و برآیند

عصر مفرغ فراتر از تحولی فن‌آورانه (تکنولوژیک) است؛ نکته اول اینکه تحولات این دوره ابزارهای موثرتری نسبت به گذشته برای تخریب در اختیار انسان قرار می‌دهد. دوم اینکه در نهایت نشانه‌های دو رویکرد نظری به علوم و کاربردی شدن علوم به دوره مفرغ باز می‌گردد. تعبیر ماهیت دادن و گداختن فلزات فرآیندی شیمیایی-فیزیکی است که از این دوره آغاز شده و به شکافتن اتم منتهی می‌شود. مشاهده در طبیعت و شناسایی کانسارهای کاربردی در فن‌آوری از آن دوره تا زمین‌شناسی امروز ادامه یافته است. سوم اینکه استفاده منظم از مس در این دوره نظام‌های تبادلات بین‌المللی را سازمان می‌دهد. چهارم استفاده منظم از مس، متخصصان تمام وقت را در بافتار اجتماعی پدید می‌آورد که خودشان غذای خودشان را تولید نمی‌کنند بلکه دیگران برای آنها غذا تولید می‌کنند. قبل از این دوره این متخصصان وجود دارند اما نیمه وقت هستند نه تمام وقت (Patterson & Orser, 2004: 177-179). در فرآیندی تدریجی این تخصص‌های تمام وقت در جامعه در دیگر بخش‌های جوامع عصر مفرغ پدیدار می‌شود. به نظر می‌رسد تخصص‌گرایی به تفکیک فضاهایی با کاربردهای تخصصی در استقرارها منجر شده است. تفکیک فضاهای استقرار از گورستان‌ها در عصر مفرغ نیز در همین راستا قابل بررسی است. بازه زمانی اوایل هزاره سوم تا نیمه دوم هزاره اول ق.م. در نیمه شمالی ایران برای عصر مفرغ پیشنهاد شده است. سنت دیر پای دفن مردگان در زیر کف خانه‌های مسکونی متروک و شیوه جدیدی بصورت گورستان که عموماً خارج از محل‌های زیست

دارک. کن. آر، ۱۳۸۷، *میانی نظری باستان شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

شرقی - غربی، طوری که صورت وی بسمت شمال باشد در گور قرار می‌دادند. در این روش مرده را بصورت طاق‌باز بر پشت قرار می‌دادند و پاهای مرده در داخل شکم جمع می‌شد. دست راست بر روی سینه و دست چپ در کنار شانه مقابل صورت قرار می‌گرفت. هدایا در مقابل صورت قرار داده می‌شد.

سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه اعضای هیأت باستان شناسی قلعه‌خان طی فصل‌های اول و دوم پژوهش تشکر کنند. بویژه تلاش و تمرکز سرکار خانم رحمانی به عنوان مسئول گمانه ۲۴ و جناب آقای رحمتی به عنوان معاون میدانی هیأت در فصل دوم شایسته قدردانی است. انجام پژوهش میدانی قلعه‌خان با حمایت‌های گاه و بیگاه میراث فرهنگی استان خراسان شمالی ممکن می‌گردد. از رئیس سازمان یاد شده و معاون اسبق میراث فرهنگی جناب آقای نجفی و همکار ارجمند آقای علی وحدتی معاون کنونی میراث فرهنگی استان خراسان شمالی تشکر می‌شود. امید آدینه با آرامش مثال زدنی پشتیبان پژوهش‌های قلعه‌خان است و بدون حمایت‌های خانواده فرهنگ دوست مهرو (سیاوش، سیامک و سیاه‌نوش) نمی‌توان هیأت باستان شناسی را در آشخانه سازمان داد؛ از آنها و از همه ساکنان قلعه‌خان خاصه ساکنان اطراف تپه، صادق و جناب آقای مکرمی تشکر و قدردانی می‌کنیم.

می‌شوند) در لایه VI و همچنین نزدیکی نسبی گمانه‌ها به مرکز استقرار (تپه قلعه‌خان) و با عنایت به تخصصی شدن صنعت و رشد تکنولوژی و تقسیم بندی فضائی (کانون وحاشیه استقرار)^۷ در این دوره می‌توان پیشنهاد کرد که استقرار در این دوره - اواخر عصر مفرغ - برخلاف اواسط دوره مفرغ که گسترده بوده^۸، کم وسعت می‌گردد و نیمه غربی استقرار قلعه‌خان بعنوان محدوده گورستان مورد استفاده قرار می‌گیرد. از ویژگی‌های استقرارهای اواخر عصر مفرغ کم شدن وسعت آنهاست. بعنوان شاهد مثال می‌توان از آلتین تپه (Masson, 1988: 131) و نمازگا (Kholpin, 2002: 172) در شمال شرق استقرار قلعه‌خان نام برد که در اواسط هزاره دوم بصورت استقرارهای کوچکی درآمدند که وسعت آنها از یک تا دو هکتار تجاوز نمی‌کرد (ماسون، ۱۳۷۵: ۱۴۶). اما در رابطه با شیوه‌های تدفین در این دوره بر مبنای داده‌های موجود می‌توان چنین نتیجه گرفت که در این دوره حداقل دو شیوه تدفین بصورت چمباتمه‌ای یا جنینی و ترکیبی این دو شیوه، وجود داشته است. در روش جنینی مرده را در گورهای بیضوی ساده با جهت شرقی - غربی بر پهلوئی چپ قرار داده و صورت جسد به سمت جنوب غرب بود. دستها از آرنج و پاها از زانو خم می‌شد. هدایای داخل گور را در درجه اول ظروف سفالی تشکیل می‌داد. مواد غذایی و اشیاء اهدائی را در پائین پای شخص مرده قرار می‌دادند. با توجه به شواهد بنظر می‌رسد در زیر بدنه مرده منسوجی را پهن می‌کردند. در روش ترکیبی مرده را با جهت

منابع

الف) فارسی

دانی، احمد حسن، ۱۳۷۵، قبایل دامدار - کشاورز پاکستان در دوره پس از سند، تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، کتابی از یونسکو، ترجمه صادق ملک شه میرزادی، تهران، وزارت امور خارجه، بخش دوم از جلد اول، صص ۲۳۵-۲۷۴.

توحیدی، فائق، ۲۵۳۵، بررسی و شناسائی آثار و بناهای تاریخی خراسان (بجنورد)، ج ۲ بخش سملقان، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران، منتشر نشده.

طلایی، حسن، ۱۳۸۵، عصر مفرغ ایران، تهران، سمت.

۷- فاصله نقطه مبنای گمانه SW22 از نقطه مبنای تپه (±00) ۱۲۵.۶۳ متر و فاصله نقطه مبنای گمانه NW24 از نقطه مبنای تپه (±00) ۱۴۳/۳۲ متر است.

۸- شواهد ما مبنی بر این ادعا پراکندگی آثار مفرغ میانه در شعاع (۲۰۰) متری از مرکز استقرار است.

_____، ۱۳۸۱، سنت ها و شیوه های تدفین در عصر آهن ایران (حدود ۸۰۰-۱۴۵۰ ق.م)، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۱۶۲، صص ۱۷۳-۱۹۲.

سملقان، کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی.

گاراژیان، عمران، زیر چاپ، گمانه زنی به منظور لایه نگاری و مستند سازی بقایای معماری تپه قلعه خان، شهرستان مانه و سملقان استان خراسان، مجله انسان شناسی و فرهنگ، <http://anthropology.ir>.

گاراژیان، عمران، زیر چاپ، گمانه زنی به منظور لایه نگاری و مستند سازی بقایای معماری تپه قلعه خان، شهرستان مانه و سملقان استان خراسان شمالی: گزارش مقدماتی با تاکید بر گاهنگاری نسبی، سری نهم گزارشهای باستان شناسی، ج.۳.

_____، جعفری، جواد و هژبری، علی، ۱۳۹۰، زیر چاپ، گزارش بررسی ها و گمانه زنی ها، بمنظور مستند سازی ساختارهای معماری تپه قلعه خان، پژوهش های باستان شناسی مدرس، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان.

_____، ۱۳۸۶، گزارش بررسی و شناسایی دشت سملقان، پژوهشکده باستان شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، گزارش منتشر نشده، کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی.

فرهنگ آبادیهای کشور، استان خراسان شمالی، شهرستان مانه و سملقان، ۱۳۸۴، سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح.

_____، ۱۳۸۷، فرایند گذار از فرهنگهای مس-سنگی به دوره برنز در شرق شمالی ایران، پایان نامه دکتری تخصصی باستان شناسی پیش از تاریخ، دانشگاه تهران، منتشر نشده.

ماسون، و. م.، ۱۳۷۵، افول تمدن عصر برنز و حرکت قبایل کوچرو، تاریخ تمدنهای آسیای مرکزی، کتابی از یونسکو، ترجمه صادق ملک شهیرزادی، تهران، وزارت امور خارجه، بخش دوم از جلد اول، صص ۱۴۵-۱۷۲.

_____، ۱۳۸۸ الف، گزارش گمانه زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه قلعه خان، استان خراسان شمالی، شهرستان مانه و

Hurst, T. D., 1991, *Archaeology Down to Earth*, Harcourt Brace Jovanovich College Publisher, New York.

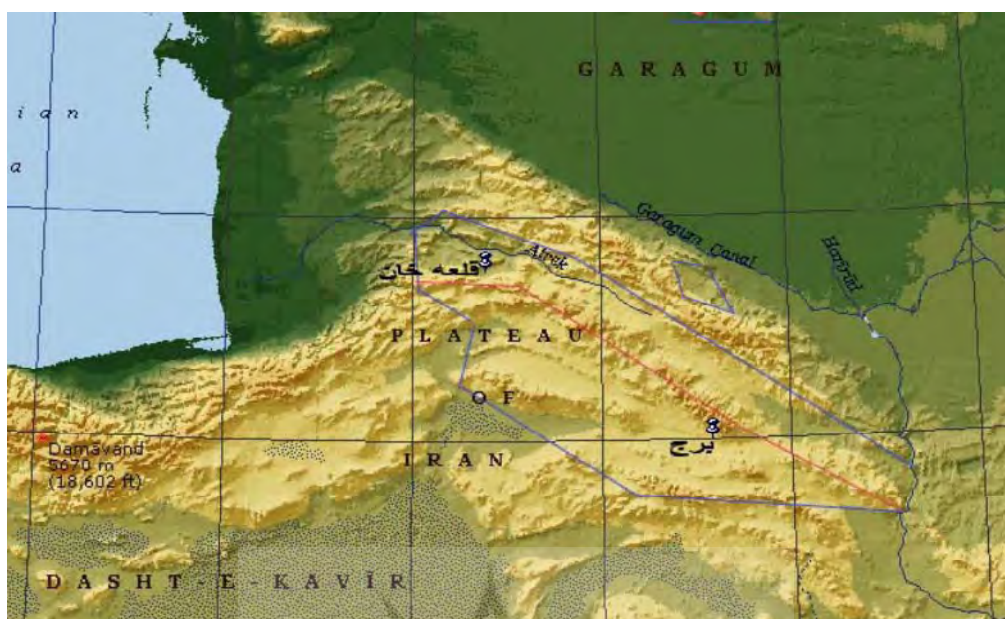
(ب) غیرفارسی
Patterson, T. C., & Charles, E. O. Jr., 2004, *Foundations of Social Archaeology*, Berg, Oxford, New York.

Kholpin, I. N., 2002, *Bronze Age of South-west Turkmenistan*, Saint- Petersburg.

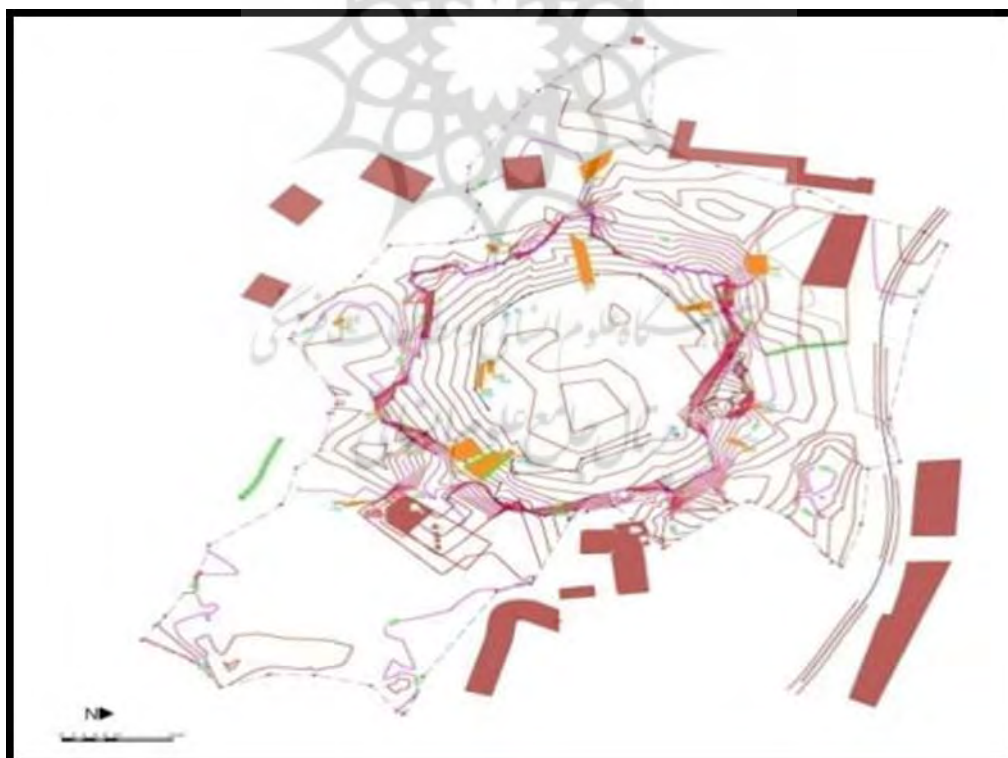
Masson, V. M., 1988, *Altyn-Depé*, Translated by Henry N. Michael, The University Museum, University of Pennsylvania, Philadelphia.

Willey, G. R., & Phillips, P., 1958, *Method and Theory in American Archaeology*, University of Chicago Press.

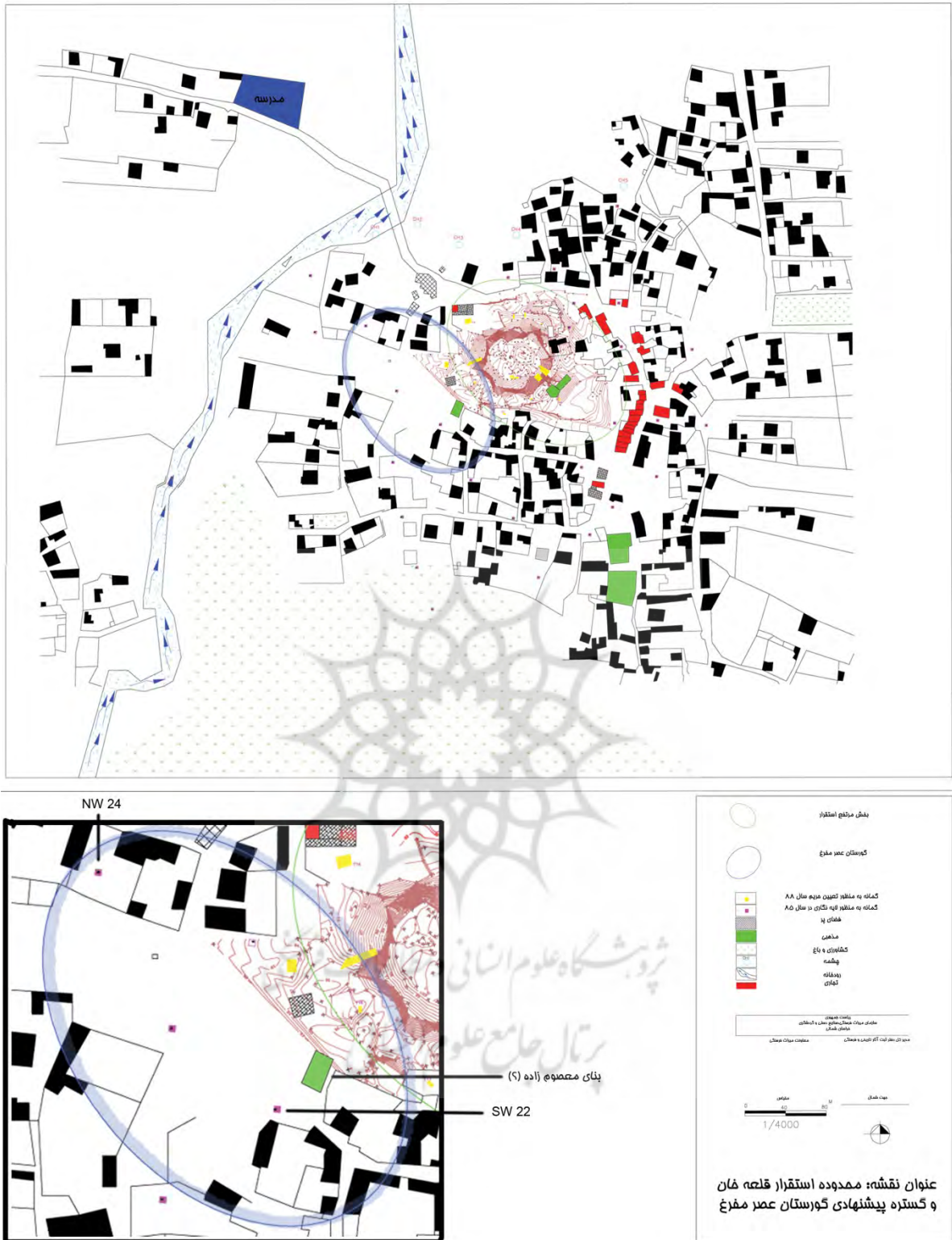
تصاویر



نقشه ۱- موقعیت استقرار قلعه خان در منطقه شرق شمالی ایران (گاراژیان، ۱۳۸۷: نقشه یک).



نقشه ۲- نقشه توپوگرافی تپه قلعه خان، موقعیت گمانه‌ها با رنگ نارنجی و منازل اهالی با رنگ صورتی مشخص است. (گاراژیان، ۱۳۸۷: نقشه سه).



نقشه ۳- محدوده استقرار قلعه‌خان، گستره پیشنهادی گورستان با رنگ آبی مشخص شده است. (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: نقشه ۳).

جدول ۱- گاهنگاری استقرار قلعه خان بر مبنای لایه نگاری ۱۳۸۵

گاهنگاری	لایه
نوسنگی با سفال	XXII-I (۱ تا ۲۲)
فترت (بین پایان نوسنگی با سفال و مس-سنگی)	XXV-XXIII (۲۳ تا ۲۵)
مس-سنگی	XXXVIII-XXVI (۲۶ تا ۳۸)
فترت (بین مس-سنگی و مفرغ)	XXXX-XXXVIII (۳۹ تا ۴۰)
مفرغ (برنز)	XXXXX-XXXXI (۴۱ تا ۵۰)
تاریخی	XXXXXXIII-XXXXXXI (۵۱ تا ۵۳)
اسلامی	XXXXXXVII-XXXXXXIV (۵۴ تا ۵۷)



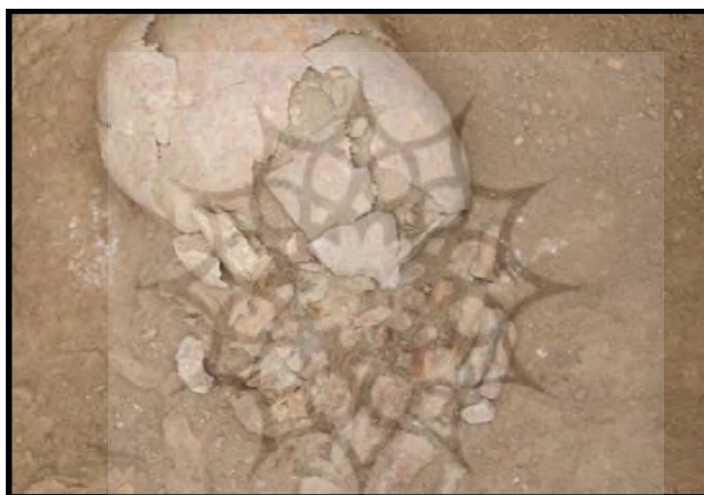
تصویر ۱- نمای غربی تپه قلعه‌خان - به بنای موسوم به معصومزاده در سمت راست تصویر توجه شود (گاراژیان، زیر چاپ).



تصویر ۲- گمانه SW22، تدفین ۱، مجموعه در یرش غربی (گاراژیان، ۱۳۸۸).



تصویر ۳- گمانه SW22، وضعیت عمومی تدفین ۲ و اشیاء داخل گور (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: تصویر ۴۸).



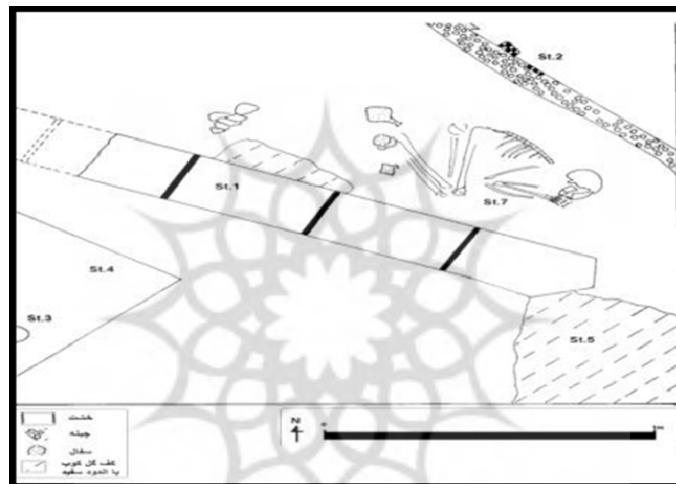
تصویر ۴- تدفین ۲، به بقایای منسوج برنگ سفید در سمت چپ تصویر توجه شود (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: تصویر ۴۹).



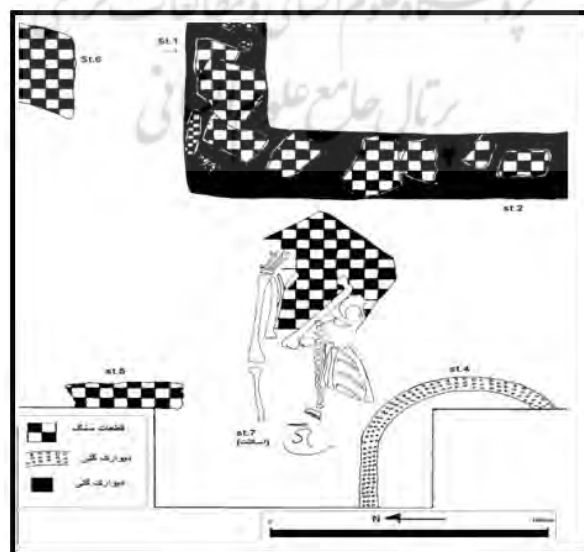
تصویر ۵- گمانه NW24، وضعیت عمومی تدفین ۳ و هدایای گور (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: تصویر ۵۳).



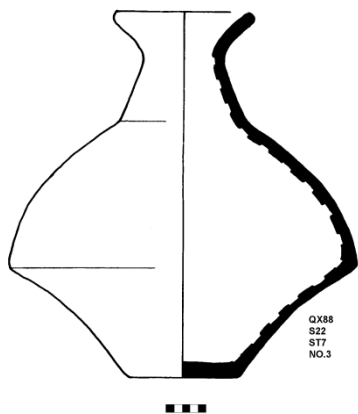
تصویر ۶- تدفین ۳، احتمالاً فک مجمله جایجا شده است (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: تصویر ۵۴).



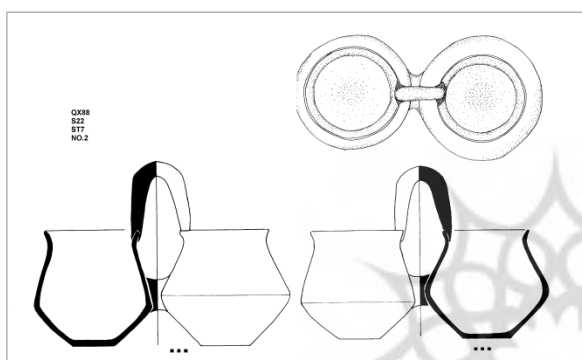
پلان ۱- موقعیت تدفین ۲ در گمانه SW22، موقعیت تدفین ۱ با عنوان St.3 در برش غربی مشخص است (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: پلان ۱۱).



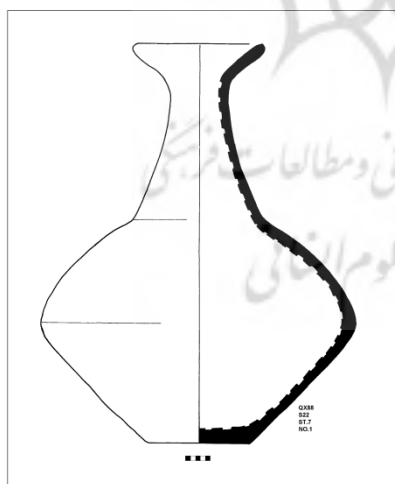
پلان ۲- موقعیت تدفین ۳ در گمانه NW24 (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: پلان ۱۲).



تصویر ۷- گمانه SW22، عکس و طرح سفال (گاراژیان، ۱۳۸۸ الف: بخش ضمیمه^۹).



تصویر ۸- گمانه SW22، عکس و طرح ظرف سفالی دوقلو.



تصویر ۹- گمانه SW22، عکس و طرح سفال.

۹- تمام طرح‌ها و عکس‌های سفال بر گرفته از گاراژیان، الف ۱۳۸۸: بخش ضمیمه



تصویر ۱۰- گمانه NW24، عکس و طرح ظرف سفالی موسوم به سرمه‌دان و میله فلزی که کنار ظرف قرار داشت.



تصویر ۱۱- گمانه NW24، عکس و طرح سفال.